

# BECOMING

شدن

میشل اوجاتا



انتشارات دیویدی



شدن

BECOMING

نویسنده: میشل اوباما

مترجم: زهرا مرصوص

لیسراو بارنگ

انتشارات: سیرمعدی

چاپ: شریف

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: دوم ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۸۱-۵۳-۴

کلیه حقوق این اثر برای آقای محمد مخلصی محفوظ می‌باشد.

قیمت: ۹۰۰۰۰۰ ریال

تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، کوچه مینا، پلاک ۱۲ واحد ۱

تلفن ۰۹۱۲۴۴۵۸۷۰۲-۰۲۱۶۶۱۷۵۸۴۵-۰۲۱۶۶۹۵۷۴۱۶

مخلصی

سرشناسنامه: Obama·michelle اوباما، میشل ۱۹۶۴-م.

وضعیت فهرست نویسی:

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۶۴۲۶۰

عنوان و نام پدیدآور: شدن/نویسنده میشل اوباما؛ مترجم زهره مرصوص

ملاحظات نشر: تهران انتشارات شیرمحمدی ۱۳۹۸

ملاحظات ظاهری: ۴۳۲ص: ۱۴،۵\*۲۱،۵ س.م.

کتاب حاضر نخستین بار با عنوان (میشل اوباما شدن) با ترجمه سپیده یادداشت‌ها توسط انتشارات موسسه نگارش الکترونیک کتاب در سال ۱۳۹۷ فیفا  
رنگ شده

رده‌بندی دیویی: ۷۲۱،۰۲۰۹۲

رده‌بندی کنگره: E909

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۸۱-۵۳-۴

|     |                        |
|-----|------------------------|
| ۷   | ..... مقدمه            |
| ۱۳  | ..... فصل اول          |
| ۲۷  | ..... فصل دوم          |
| ۴۱  | ..... فصل سوم          |
| ۵۱  | ..... فصل چهارم        |
| ۶۱  | ..... فصل پنجم         |
| ۷۷  | ..... فصل شش           |
| ۹۳  | ..... فصل هفت          |
| ۱۰۳ | ..... فصل هشت          |
| ۱۱۹ | ..... فصل نه           |
| ۱۳۹ | ..... فصل ده           |
| ۱۵۳ | ..... فصل یازده        |
| ۱۷۳ | ..... فصل دوازده       |
| ۱۸۵ | ..... فصل سیزده        |
| ۲۰۱ | ..... فصل چهارده       |
| ۲۱۹ | ..... فصل پانزده       |
| ۲۳۹ | ..... فصل شانزده       |
| ۲۶۱ | ..... فصل هفدهم        |
| ۲۸۳ | ..... فصل هجدهم        |
| ۲۹۳ | ..... فصل نوزدهم       |
| ۳۱۳ | ..... فصل بیستم        |
| ۳۳۱ | ..... فصل بیست و یکم   |
| ۳۴۸ | ..... فصل بیست و دوم   |
| ۳۷۲ | ..... فصل بیست و سوم   |
| ۳۹۶ | ..... فصل بیست و چهارم |
| ۴۲۲ | ..... بخش آخر          |

## مقدمه

رس ۲۰۱۷

وقتی بچه بودم آرام می‌ساخته و خام بودند دلم می‌خواست یک سگ داشتم خاله‌ای می‌خواستم که پلکان داشت؛ یک ماهی دوپلکس برای یک خانواده بنابه دلایلی، به جای بیوک دو دری که غرور و شادی پدرم بود، دلم یک ماشین استیشن چهار در می‌خواست. به همه می‌گفتم که وقتی بزرگ شدم می‌خواهم پزشک کودکان شوم؟ چون عاشق سروکله زدن با بچه‌ها هستم و همان موقع فهمیدم که بزرگترها از شنیدن آن خوشحال می‌شوند. اوه، پزشک! چه انتخاب خوبی! در آن روزها، موهایم رادماسی می‌یستم و به برادر بزرگترم امانه می‌کردم و همیشه در مدرسه بالاترین نمره‌ها را می‌گرفتم. بلندپرواز بودم، هرچند دقیقاً نمی‌دانستم هدفم کجاست. حالا به نظرم این یکی از بی‌معنی‌ترین پرسش‌هایی است که بزرگترها از یک بچه می‌پرسند. وقتی بزرگ شدم می‌خواهی چی کاره بشی؟ انگار بزرگ شدن یک امر متناهی است. انگار در نقطه‌ای چیزی می‌شوی و دیگر تمام است. تا اینجای زندگی‌ام وکیل بودم، در بیمارستانی معاون رئیس بیمارستان بودم، یک سازمان غیرانتفاعی که به جوانان کمک می‌کرد تا مسیر شغلی خود را پیدا کنند. یک دانشجوی پزشکی، یاهوست از طبقه‌ی کارگر در یک دانشکده‌ی عالی با اکثریت سفیدپوست بودم. تنها آمریکایی خریقایی، در همه جاعروس شدم، یک تازه‌مادر دچار فشار روحی، دختری که در سوگ پدرش، از هم پاشید و تا همین اواخر، بانوی اول ایالات متحده آمریکا-شغلی که رسماً شغل نیست، اما با این حال سکویی در اختیارم قرار داد که فکرش را هم نمی‌کردم این شغل، من را به چالش کشید و خوار کرد، من را بالا کشید و کوچکم کرد، و گاهی همه‌ی این‌ها با هم تازه کم‌کم می‌فهمم در طول چند سال گذشته چه پیش آمد- از لحظه‌ای که در سال ۲۰۰۶ همسرم برای اولین بار موضوع شرکت در انتخابات را مطرح کرد تا صبح سرد این زمستان که در کنار ملایا ترامپ سوار لیموزین می‌شوم، تا او را برای مراسم تحلیف شوهرش همراهی کنم، برای خودش سفری بود.